

قصه‌های

بهرنگ

(متن کامل ۲۳ قصه)

« صمد بهرنگی »

فهرست

صفحه	عنوان
۵	ادبیات و کودکان
۹	اولدوز و کلاغ‌ها
۷۲	اولدوز و عروسک سخنگو
۱۲۴	کچل کفترباز
۱۴۶	پسرک لبوفروش
۱۵۵	سرگذشت دانه‌ی برف
۱۵۹	پیرزن و جوجه‌ی طلایی‌اش
۱۶۶	دو گربه روی دیوار
۱۷۱	سرگذشت دومرول دیوانه‌سر
۱۸۹	افسانه‌ی محبت
۲۱۲	یک هلو و هزار هلو
۲۴۱	۲۴ ساعت در خواب و بیداری
۲۶۹	کوراوغلو و کچل حمزه
۳۲۵	ماهی سیاه کوچولو
۳۴۸	تلخون و ...
۳۷۴	بی‌نام
۳۸۴	عادت
۳۹۰	پوست نارنج
۳۹۹	قصه‌ آه
۴۰۸	آدی و بودی
۴۱۶	به دنبال فلک
۴۲۰	بزریش سفید
۴۲۵	گرگ و گوسفند
۴۲۷	موش گرسنه

ادبیات و کودکان

دیگر وقت آن گذشته است که ادبیات کودکان را محدود کنیم به تبلیغ و تلقین نصایح خشک و بی‌بربرگرد، نظافت دست و پا و بدن، اطاعت از پدر و مادر، حرف‌شنوی از بزرگان، سروصدا نکردن در حضور مهمان، سحرخیز باش تا کامروا باشی، بخند تا دنیا به رویت بخندد، دستگیری از بینویان به سبک و سیاق بنگاه‌های خیریه و مسأله! از این قبیل که نتیجه‌ی کلی و نهایی همه‌ی این‌ها بی‌خبر ماندن کودک : مسائل بزرگ و حاد و حیاتی محیط زندگی است. چرا باید در حالی که برادر گ دلش برای یک نفس آزاد و یک دم هوای تمیز لک زده، کودک را در پيله‌ای از «خوشبختی و شادی و امید» بی‌اساس خفه کنیم؟ بچه را باید از عوامل امیدوارکننده‌ی الکی و سست‌بنیاد ناامید کرد و بعد امید دگرگونه‌ای بر پایه‌ی شناخت واقعیت‌های اجتماعی و مبارزه با آنها را جای آن امید اولی گذاشت.

آیا کودک غیر از یاد گرفتن نظافت و اطاعت از بزرگان و حرف‌شنوی از آموزگار (کدام آموزگار؟) و ادب (کدام ادب؟ ادب؟) که زورمندان و طبقه‌ی غالب و مرفه حامی و مبلغ آن است؟ چیز دیگری لازم ندارد؟